

خبر
<div><div></div></div>

دار کوب‌ها به برج میلاد زدند

گروه موسیقی دارکوب که آخرین اجرایش به پیش از فراگیری ویروس کرونا در تالار وحدت برمی‌گردد، پس از چند سال دوری از صحنه، برای مخاطبان مشتاق خود در برج میلاد تهران به اجرای برنامه‌پرداختند.

به گزارش ایرنا، گروه موسیقی تلفیقی دارکوب به سرپرستی همایون نصری و خوانندگی امیرسامان شیخ پس از چند سال دوری از صحنه، شبه شب و در آستانه عید نیمه شعبان، طی دو سانس در مرکز همایش‌های برج میلاد به اجرای برنامه پرداختند. دارکوب‌ها کمی دیر به روی صحنه آمدند اما در پاسخ انتظار طرفداران خود، آنها را با تندبسی از سراب غافلگیر کردند. همایون نصری پس از اجرای مقدمه تندبسی از سراب گفت: بسیار خوشحالم و هیجان‌زده که بعد از چندسال در خدمت شما هستیم و وفاداران صمیمی، باز هم ما را تنها نگذاشتند. اگرچه، ۶ سال از آخرین اجرای ما می‌گذرد اما تشویق شما باعث شد بار دیگر روی صحنه باشیم. امیدوارم شب خاطره‌انگیزی برای شما باشد.

امیرسامان شیخ هم پس از معرفی از سوی نصری گفت: خیلی خوشحالم که پس از ۱۶ سال توانستم به آرزوی خودم برسم و در گروه دارکوب خوانندگی کنم. به‌افتخار همایون نصری، همایونی تشویق کنید. در ادامه نصری گفت: دارکوب‌ها آرام و زنار دارند اگر داشتند دوباره به صحنه برنمی‌گشتند. وی اظهار داشت: قول می‌دهیم با کارهای جدید و پرائگیت‌تر از قبل، با دلگرمی شما، صمضم‌تر از همیشه، تا زمانی که دست‌ها ما کارهای جدید دارکوب در این کنسرت اجرا شد. این مسعود همایونی، او را از بنیانگذاران گروه دارکوب عنوان کرد. خطاب نصری با تشویق جمعیت روبرو شد. بی‌من تنها به عنوان یکی از تازه‌ترین کارهای دارکوب در این کنسرت اجرا شد. این گروه همچنین گزیده‌ای از کارها از جمله تک‌آهنگ و آلبوم دارکوب را اجرا کرد.

نصری در ادامه عنوان کرد: خدا را شاکرم به خاطر دوستانی که دلگرمی دادند و هر زمان حمایت کردند و بدون هیچ چشم‌داشتی، کنار من بودند و ترانه‌های زیبایشان باعث استقلال شما شد و در رفقت چیزی کم نگذاشتند و آن‌قدر اعتبار نزدشان دارم که هیچ‌وقت حرف من را زمین نینداختند.

او سپس بدون معرفی روزیه بمانی، او را به صحنه خواند. بمانی هم قطعه خون‌بس را اجرا کرد و گفت: من شاعری هستم کم کارهایی هم خوانده‌ام. من اولین کاری که خواندم با دارکوب بود. از شما ممنونم که به موسیقی خوب احترام می‌گذارید.

بمانی همچنین گفت: متأسفانه در کشور ما همه چیز در موسیقی به نام خواننده تمام می‌شود اما این طور نیست. کمتر خواننده‌هایی داشتیم که این وضاعت را داشته باشند. عده زیادی تمرین می‌کنند که ساز بزنند اما همه چیز به نام خواننده تمام می‌شود.

علی شکرائی؛ آهنگساز و مهرداد احمدزاده؛ رهبر ارکستر روزیه بمانی و سازاز کاشمری؛ از اعضای گروه آرین هم در سالن حضور داشتند.

نصری در ادامه از علیرضا عصار خواست به روی صحنه بیاید و به اجرای برنامه بپردازد. او گفت: کسی که هر موقع دلم می‌گیرد و کم می‌آیوم، کنار من است و خدا را شکر آن‌قدر اعتبار دارم که حرفم را زمین نینداخت.

علیرضا عصار هم با اجرای جز عشق نمی‌خواهم، گفت: خوشحالم که پس از یک سال به روی صحنه آمدم. س‌وای عزیزان دلی که در گروه من بودند، همایون مانند برادر کوچک‌تری است که هیچ وقت نداشتم و به عنوان هنرمند بین‌المللی سازه‌ای کوبه‌ای، هدایت گروه دارکوب را بر عهده دارد. دلم بجزوه رفیقم یارم آخرین اجرای گروه دارکوب بود که به خوانندگی امیرسامان شیخ تمام بخش برنامه بود. دارکوب‌ها به تازگی جدیدترین اثر تصویری خود را با نام تندبسی از سراب منتشر کرده‌اند. گروه دارکوب در این کنسرت، به اجرای منتخبی از قطعات سه آلبوم منتشر شده خود پرداختند. این گروه تاکنون سه آلبوم با نام‌های نوکوب، لیوا و دارکوب منتشر و اجراهای مختلفی را تجربه کرده‌اند. امیرسامان شیخ به عنوان خواننده جدید دارکوب که با موزیک‌ویدیوئی تندبسی از سراب معرفی شده، برای نخستین بار در کنار این گروه، به روی صحنه رفت.



به گزارش ایسنا، حسن جودکی که این روزها نمایش «ژلیت» را در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌برد، با ارایه توضیحاتی درباره اثر اثر نمایشی، نسبت به اقتصاد ضعیف تئاتر و بحران بازیگری در این حوزه هشدار داد.

او که بیشتر در حوزه تهیه‌کنندگی و مدیریت تولید تئاتر فعالیت دارد، درباره حضورش در عرصه کارگردانی توضیح داد: دغدغه اصلی‌ام، تهیه و تولید تئاتر و حتی تصویر است. کارگردانی برایم یک کار دلی است. مانندیک تابلوی نقاشی که می‌توان سالی یک بار بومی گذاشت و رنگی پاشید و اثری خلق کرد. درواقع در کارگردانی، بحث خلق کردن برایم جذابیت دارد که پیش از این به دلیل حضورم در تئاترشهر، نمی‌گذرد اما تشویق شما باعث شد بار دیگر روی صحنه باشیم. امیدوارم شب خاطره‌انگیزی برای شما باشد.

امیرسامان شیخ هم پس از معرفی از سوی نصری گفت: خیلی خوشحالم که پس از ۱۶ سال توانستم به آرزوی خودم برسم و در گروه دارکوب خوانندگی کنم. به‌افتخار همایون نصری، همایونی تشویق کنید. در ادامه نصری گفت: دارکوب‌ها آرام و زنار دارند اگر داشتند دوباره به صحنه برنمی‌گشتند. وی اظهار داشت: قول می‌دهیم با کارهای جدید و پرائگیت‌تر از قبل، با دلگرمی شما، صمضم‌تر از همیشه، تا زمانی که دست‌ها ما کارهای جدید دارکوب در این کنسرت اجرا شد. این مسعود همایونی، او را از بنیانگذاران گروه دارکوب عنوان کرد. خطاب نصری با تشویق جمعیت روبرو شد. بی‌من تنها به عنوان یکی از تازه‌ترین کارهای دارکوب در این کنسرت اجرا شد. این گروه همچنین گزیده‌ای از کارها از جمله تک‌آهنگ و آلبوم دارکوب را اجرا کرد.

نصری در ادامه عنوان کرد: خدا را شاکرم به خاطر دوستانی که دلگرمی دادند و هر زمان حمایت کردند و بدون هیچ چشم‌داشتی، کنار من بودند و ترانه‌های زیبایشان باعث استقلال شما شد و در رفقت چیزی کم نگذاشتند و آن‌قدر اعتبار نزدشان دارم که هیچ‌وقت حرف من را زمین نینداختند.

او سپس بدون معرفی روزیه بمانی، او را به صحنه خواند. بمانی هم قطعه خون‌بس را اجرا کرد و گفت: من شاعری هستم کم کارهایی هم خوانده‌ام. من اولین کاری که خواندم با دارکوب بود. از شما ممنونم که به موسیقی خوب احترام می‌گذارید.

یک کارگردان تئاتر مطرح کرد

«بحران بازیگر» در راه است

یک کارگردان تئاتر تاکید کرد که اگر تا چند سال آینده فکری برای اقتصاد این هنر نکنیم، با بحرانی جدی در زمینه بازیگری رو به رو خواهیم شد.



که هر لحظه محدودتر می‌شود، بازی کنند و این نیز دشواری دیگری برای آنان به همراه دارد. جودکی که سال‌هاست در زمینه تهیه و تولید تئاتر فعالیت می‌کند، انتخاب بازیگر را یکی از چالش‌های مهم گروه‌های نمایشی دانست و افزود: در ۵، ۶ سال گذشته با گسترش شبکه نمایش خانگی، اتفاقی در زمینه بازیگری رخ داده است. زمانی، دوستان بازیگر در لسان برای تئاتر می‌تهید و برای آن خیلی انرژی می‌گذاشتند. خوشحالم طی این سال‌ها، بچه‌های تئاتر به شبکه نمایش وصال شده‌اند و بعد از مدت‌ها و گاه بعد از ۲۰ سال کار و تلاش در تئاتر به دستمزدهای شایسته خود نزدیک شده‌اند ولی این موضوع همان اندازه که خوشحال‌کننده است، برای خودرادر باشد.

این کارگردان یادآوری کرد: فضای نمایش من یک کمدی تلخ است؛ اتفاقاتی که نویسندگان در دوره استالین تجربه کرده‌اند. البته ظاهرا این روزها مردم خیلی دنبال کارهای تلخ نیستند و از تئاتر انتظار سرگرم‌کنندگی هم دارند. یعنی قرار نیست تئاتر فقط رسانه‌ای برای تولید اندیشه و فرهنگ باشد. به نظر می‌رسد یک اثر نمایشی باید بینایی باشد یعنی هم به تولید بپردازد و هم از جنبه سرگرم‌کنندگی برخوردار باشد.

او اجرای این نمایش را کار دشوار خواند و در این باره توضیح داد: نمایش ما از نقطه‌ای آغاز می‌شود و کارکنترها طی آن به دگرگونی می‌رسند. این تغییر، برای بازیگر خیلی انرژی‌گیر است. بازیگران نمایش ما ۷۰ دقیقه بدون وقفه روی صحنه حضور دارند. از سوی دیگر دکور ما کاربردی است و در طول اجرا مدام جمع‌تر می‌شود و حالا بازیگران باید در فضایی

تئاتر مانند نسل‌های گذشته، دل‌شان برای این هنر نمی‌تپد و از آغاز به دنبال حضور در تصویر هستند و به اقتصاد و آینده‌شان فکر می‌کنند.

جودکی که نمایش خود را با بازی امیرکاوه آهنین جان و شهروز دل‌افکار اجرا می‌کند، با تقدیر از این دو بازیگر افزود: دوستان بازیگر در این نمایش مشغول بازی در سریال هستند و گاهی از ۵ صبح تا ۷ شب در اطراف تهران آفیش می‌شوند و بعد از آن برای بازی در نمایش ما، انرژی فراوانی می‌گذرانند که جای تقدیر دارد اما نسل جدید، رویکردشان متفاوت است. این تهیه‌کننده تئاتر هشدار داد: اگر تئاتر به فکر اقتصاد خود نباشد، در یک دو سال آینده وضعیت دشواری از نظر حضور بازیگران خواهد داشت. در حال حاضر اگر سالن اجرای یک

اثر نمایشی در تمام ۳۰ شب اجرای آن اثر نباشد، به هم کفاف هزینه‌های ساخت این اثر را نمی‌دهد. به همین دلیل همه جای دنیا، دولت و شهرداری‌ها از تئاتر حمایت می‌کنند چون بدون این حمایت‌ها، نمی‌توانند به حیات خود ادامه بدهد. جودکی با اشاره به تعداد محدود اجرای آثار نمایشی در ایران اضافه کرد: یکی از راه‌های نجات

پرویز ربیعی از پیشکشکوتان دوبله ایران درگذشت

از «پسر شجاع» تا «پت پستیچی»

دوبله می‌کرد و مرحوم ربیعی گویندگی پدر پسرشجاع. او سپس از همکاری‌های متعدد در دوبلاژ با زنده‌یاد ربیعی گفت. افشاری از پرویز ربیعی به نیکی یاد کرد و ادامه داد: ما خاطرات خیلی خوبی از هم داشتیم و همین چند روز پیش بود که با ایشان به واسطه کار دوبله دیدار داشتیم. او کاملاً سالم بود و به گفته فرزندنش به تازگی هم چکاپ شده بود اما ناگهانی این اتفاق افتاد.

افشاری با یادآوری اینکه با مرحوم ربیعی در کارتون «پت پستیچی» هم همکاری داشته بیان کرد که در این کار هم خاطرات خوبی با مرحوم ربیعی داشته‌است. موهوش افشاری در این اثر، مدیر دوبلاژ بود. او درباره کارتون «پسر شجاع» به بیان خاطره‌ای پرداخت و گفت: به واسطه این کارتون زمانی من به تلویزیون دعوت شده بودم. به من گفتند که ما تلفن پدرتان را گرفته‌ایم و ایشان می‌خواهند با شما صحبت کنند و من هم متعجب شک پدرم خیلی سال پیش فوت کردند. اما اصرار داشتند که پدرتان است و بعد دیدم که آقای ربیعی پشت خط هستند و آنها به خاطر «پسر شجاع» می‌گفتند که با پدرت صحبت کن!

پرویز ربیعی از پیشکشکوتان عرصه دوبله شب گذشته- پنجم اسفند ماه در منزل خود بر اثر ایست قلبی در سن ۸۴ سالگی درگذشت. او زاده ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ تهران بود. ربیعی از مهم‌ترین گویندگان نقش‌های مکمل در تاریخ دوبله ایران است و در ارائه شخصیت‌ها و تیپ‌های مختلف و متضاد مهارت داشت. صدای ربیعی را در فیلم‌های مختلف به جای بازیگرانی مانند جورج سنی اسکات در «بیلیارد باز»، استیو مک کوئین در «دزدی در ژوئن»، دیوید چیانگ «مبارزی از شان تونگس»، فردریک فورست در «اینک آخر الزمان» و آتاری چون «پسر شجاع»- به جای شخصیت پدر پسر شجاع، «جنگجویان کوهستان»- به جای شخصیت کائوجیو، کارتون «بینوایان» به جای ژاور و خیلی آثار مطرح سینمایی دیگر شنیده ایم.

این مرد باعث شد عبا‎رت «سریازان گمنام امام زمان (عج)» ایجاد شود

شاید برای بسیاری این پرسش ایجاد شود که چه کسی برای نخستین بار از عبا‎رت «سریاز گمنام» استفاده کرده است و چرا این کلمه وارد ادبیات امینتی ایران شد؟

به گزارش ایسنا، وزارت اطلاعات و عناصر امنیتی در کشور ما از جمله عناصری هستند که چراغ خاموش و در پی‌خبری از میهن و جان شهروندان دفاع می‌کنند، اما در حقیقت آنها ستاره‌هایی به حساب می‌آیند که در بزنگاه‌های مهم امنیتی و تهدیدهای دشمنان چون شهاب به دل خاطر می‌زنند و از جامعه دفاع می‌شود.
بیان کرد: متأسفانه در چند سال اخیر انقدر شاهد از دست دادن عزیزان دوبله بوده‌ایم که از دست دادن این قدیمی‌های برپلمان وحشتناک است. جای خالی آن‌ها همیشه حس می‌شود و هیچ کسی جای ایشان را نخواهد گرفت. تمام کسانی که رفتند هیچ کس جایشان را نگرفت. او با یادی از کارتون قدیمی «پسر شجاع»، «پسر شجاع» را

یادواره شهید سیدکاظم کاظمی بیان می‌کند: «در واحد اطلاعات سپاه

یکی از حوزه‌های فعالیت مقابله با گروه‌های مارکسیستی، ماترالیستی و گروه‌های چپ بود. مدیریت و عاصله بر سیدک کاظمی باعث شد تا این گروه‌ها و حزب توده که به اصطلاح آن‌ها گروه‌های چپ گفته می‌شد ضربه‌های سختی بخوردند و منهدم شوند.
همین فعالیت‌ها باعث شد تا برای نخستین بار از سوی امام خمینی(ره) به این عزیزان در سپاه «سریاز گمنام» بگویند. آنچه امروز نیز «سریاز گمنام» می‌نامیم حاصل تلاش و فعالیت‌های سیدکاظم کاظمی است.»
سردارانی مانند احمد متوسلیان و سردار سلیمانی… و… که در جنگ و نبردهای بزرگ حضور داشتند با توجه به پیروزی‌هایی که به‌دست می‌آوردند القاب و عناوینی در خورشان می‌گرفتند. ولی به نظر می‌آید کسانی که پشت جبهه‌ها در جایی مانند اطلاعات سپاه یا وزارت اطلاعات حضور داشتند، خوشان آن‌طور که باید ادا نمی‌شود.
یکی از افراد سیدکاظم کاظمی است که در طول فعالیت‌های خود به عنوان یک عضو چپ سپاه یا همان عنصر اطلاعاتی دو گروه برانداز جمهوری اسلامی ایران را نابود کرد.

فرهنگ وهنر

خبر
<div><div></div></div>

چهره‌ای که زمانی برای غذا بختن حرص می‌زد!

«آشپزی، گلدوزی، خیاطی، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، ورزش (کشتی و وزنه‌برداری) هر کدام در دوره‌ای علاقه من را به خود جلب می‌کرد. یکی از آن چیزهایی که خیلی برایم جالب بود، آشپزی بود. در همان هشت - ده‌سالگی برای غذا پختن و یاد گرفتن حرص می‌زدم و همواره از درس گریزان بودم.»

به گزارش ایسنا، ششم اسفند سالروز تولد هوشنگ ابتهاج است؛ اگر ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ سابه دنیایش را عوض نکرده بود، امروز باید تولد ۹۶ سالگی‌اش را جشن می‌گرفتیم.

او در زندگینامه خودنوشته که در سی‌وچهارمین شماره از نشریه «حافظ» (شهریور ۱۳۸۵) منتشر شده، نوشته است: «من (امیرهوشنگ) تنها پسر «آقاخان» ابتهاج و «فاطمه رفعت»-به‌شمار می‌رفتم. بعد از من سه تا دختر به‌دینا آمدند و ضمناً یک پسر هم قبل از من، نایمده رفت. خیلی برای خانواده‌ام اهمیت داشتم و خیلی عزیزکرده، خودش، خوداری، لوس و از خودراضی بار آمده بودم؛ تا دوازده سیزده‌سالگی من، اگر کسی حال مرا از مادرم می‌پرسید، زارزار گریه می‌کرد و می‌گفت که یک پسر دارم که آن هم دیوانه است. هرچه می‌گفتند: خانم‌جان! پسرچیه‌اینا تلورندو بزرگ می‌شوند، خوب و عاقل می‌شوند، می‌گفت که دیگر یکی می‌خواهد عاقل شود؟

خیلی اذیت‌کننده و آزارگر بودم. یک بچه کوچک‌تر از خود را با طناب می‌بستم و از درخت آویزان می‌کردم. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه عنصری که در ضلع جنوبی باغ سیزهمیدان بود، گذراندم؛ بعد مرا گذاشتند مدرسه قاتی که پشت خانه ما در سیزهمیدان و آن طرف در ته کوچه شاپور رفتم که کلاس‌های چهارم و پنجم متوسطه را آن‌جا خواندم. من مورد من می‌گفتند که: او به پی آموختن و یادگرفتن است اما در درس و کار مدرسه چندان کوشا و ساعی نیست و زیاد به آن توجه نشان نمی‌دهد. آشپزی، گلدوزی، خیاطی، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، ورزش کشتی و وزنه‌برداری) هر کدام در دوره‌ای علاقه من را به خود جلب می‌کرد. یکی از آن چیزهایی که خیلی برایم جالب بود، آشپزی بود. در همان هشت - ده‌سالگی برای غذا پختن و یاد گرفتن حرص می‌زدم و همواره از درس گریزان بودم. چنان‌که هنگامی که به تهران آمدمیم و در مدرسه تمدن نان‌نویسی کردم، در آن‌جا کلاس پنجم متوسطه را رد شدم. بعد هم دیگر به مدرسه رفتم و درس خواندن را رها کردم.»

نخستین پیش‌بینی برای شاعری آینده‌دار

او نخستین اثرش را با نام «نخستین نغمه‌ها» در آرزاین روزهای جوانی و در سال ۱۳۲۵ منتشر کرد؛ عبدالعلی طاهتی، نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار فقید اهل رشت که با همکاری دهخدا در تألیف «لغت‌نامه» بود در مقدمه این کتاب نوشت: «این نخستین بار است که شاعری ۱۹ساله اهل کیلان، نخستین سروده‌های خود را به صورت کتابی مستقل انتشار می‌دهد. گیلان را به نداشتن استعداد شاعرانه محروم کرده‌اند و این راست نیست… این مجموعه شعر گواهی بر شاعرپیروزی گیلان است. …به زودی خواهد رسید روزی که گوینده این دیوان به یاری خدا شاعری بزرگ گردد.» او در جوتانی دلباخته دختری ارمنی به نام «گالیا» شده بود که در رشت زندگی می‌کرد و این عشق موجب سرودن شعرهای عاشقانه‌ای شد که در آن روزها سروده است. سال‌ها بعد نیز البته ابتهاج شعرهای را با نام «برنست گالیا…» اشاره بههمان روابط عاشقانه و درگیربودار مسائل سیاسی ایران سرود. ابتهاج با انتشار کتاب «شُبگیر» که حاصل سال‌های پرتب و تاب پیش از سال ۱۳۳۲ است، به شعر اجتماعی روی آورد.

شعر سایه و موسیقی

اما خواننده شدن شعرهای ابتهاج از دهه ۵۰ و ۶۰ به حضور در رادیو آغاز شد؛ در فاصله سال‌های ۱۳۵۰- ۱۳۵۶ برنامه گل‌های تازه و گلچین هفته را که از رادیو ایران پخش می‌شد، سرپرستی می‌کرد. پس از حاتنه ۱۷ شهریور میدان ژاله، او به‌همراه محمدرضا لطفی و حسین علیزاده از رادیو استعفا کرد. محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، حسین قوامی، علیرضا افتخاری، محمد اصفهانی و علیرضا قربانی ازجمله خوانندگانی هستند که شعرهای ابتهاج را خوانده‌اند.



سازندگان «پایتخت» گرد هم جمع شدند

وی درباره چگونگی آغاز دوباره فعالیتش بعد از ۴۵ سال دوری از نقاشی، گفت: در دوران کرونا به دلیل این‌که نمی‌شد کارهای گروهی فیلمسازی را داشته باشیم و همه این فعالیت‌ها دچار کندی و لختی بودند، مجدداً شروع به تمرین و کار نقاشی و به تدریج طی دو سال اخیر تابلوهایی را خلق کردم.

مقدم درباره نمایشگاه آثارش توضیح داد: این نمایشگاه ما در بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول آن متشکل از آثاری از دوران قدیم کاری‌ام است که بین سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ خلق شده‌اند و بخش دوم نیز مربوط به آثاری است که در سه سال اخیر کار کرده‌ام. سبک کارهایم، همان اکسپرسیونیستی و رئالیسم اجتماعی با موضوعات و فضاسازی‌های جدید است. آثار این نمایشگاه شامل ۱۶ تابلوی رنگ روغن بزرگ است که ۳ اثر آن متعلق به چهل سال گذشته است. همچنین، حدود ۳۰ اثر طراحی هم به نمایش گذاشته می‌شود که با تکنیک‌های سیاه قلم، مدار رنگی و آکرلیک کار شده‌اند.

علیرضا خمسه - بازیگر نقش «بابا پهنجلی» در سریال «پایتخت» درباره نقاشی کردن سیروس مقدم گفت: خیلی خوب است که انسان موجود تک ساحتی و تک بعدی نباشد و بهترین آدم‌ها کسانی هستند که در شاه‌های مختلف مهارت پیدا می‌کنند و دلیل ندارد که فیلمساز فقط فیلم بسازد، همچنان که یک برنامه ساز و کارگردان می‌تواند یک پیانیست خوب یا یک عکاس خوب باشد. آقای مقدم نیز این وجه نقاش بودن‌شان را پنهان کرده بودند. از طرفی دیگر، خیلی خوب است که مردم ببینند او غیر از سریال و فیلمسازی، نقاش هم بوده و آن را به خوبی انجام داده است.